

# تشدید مبارزه و گسترش جنبش اعتراضی سلاح کارآمد طبقه کارگر در شرایط کنونی!

- اعتصاب در کارخانه بافت ناز ● اعتصاب کارگران نساجی بهشهر ● اعتصاب در کارخانه جنرال
- اعتصاب کارگران نیروگاه برق نکا ● اعتصاب کارگران در شرکت تولیدی علاءالدین
- اعتصاب کارگران کارخانه های پیش ساخته کرمان ● برخورد کارگران با مزدوران رژیم در کارخانه جهان چیت کرج ● اعتصاب در کارخانه قند پیرانشهر ● اعتراض کارگران اتوبوسرانی تهران

کارگران دست از کار کشیدند. میزان تولید این کارخانه طی سال گذشته به علت کمبود مواد اولیه و نبود اعتبارات لازم کاهش پیدا کرده بود و به همین دلیل رژیم ولایت فقیه آنرا در فهرست کارخانه هایی که برای خصوصی سازی در نظر گرفته، قرار داده است، کارگران اعتصابی اعلام کردند که کاهش تولید عمداً توسط کارفرمایان صورت گرفته و آنها به این وسیله می خواهند کارخانه را به قیمت ارزان خریداری کرده و سپس تحت عنوان «افزایش تولید»، شمار زیادی از کارگران و کارمندان را اخراج کنند. همبستگی کارگران در این اعتصاب چشمگیر و قابل توجه بوده است.

از سوی دیگر، کارگران مبارز کارخانه نساجی بهشهر در

ادامه در ص ۳

اعتصاب های متعدد در مراکز صنعتی کشور، طی ماه های گذشته گسترش چشم گیری یافته است. به دنبال اعتصاب شکوهمند کارگران گروه صنعتی ملی که تا اوایل اسفند ماه ادامه داشت و نیز اعتصاب قهرمانانه کارگران در گروه صنعتی قطعات فولادی کرج و ابزار اعتراض ها در صنایع نساجی اصفهان و غیره که اخبار آن در شماره ۵۲۴ نامه مردم به اطلاع خوانندگان رسید. اعتصاب های متعدد دیگری در واحدهای تولیدی و مراکز کارگری سراسر کشور به وقوع پیوسته است. در پی اعتصاب در کارخانجات سیمین، تجارت و بارش اصفهان، کارگران کارخانه بافت ناز آن شهر نیز دست به اعتصاب زدند. در اواخر بهمن ماه سال ۷۶، ۱۴۰۰ کارگر این کارخانه در اعتراض به سیاست خصوصی سازی و پایین بودن دستمزدها و نیز جلوگیری از اجرای طرح اخراج گروهی از

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۸، دوره هشتم  
سال چهاردهم، ۱۱ فروردین ۱۳۷۷

## انتخابات میاندوره ای، شکست دیگری برای رژیم «ولایت فقیه» - توده ها هوشیار در سنگر مبارزه

«... ما در زمان خودمان با انجام برخی عملکردها سبب شده ایم بیش از سه چهارم افراد جامعه از ما جدا شوند. دانشجویان و دانشگاهیان از ما جدا شده اند، زنها از ما جدا شده اند. جوانها از ما جدا شده اند، چه کسی برای ما باقی مانده است؟!...»  
موسوی اردبیلی

انتخابات میاندوره ای مجلس شورای اسلامی در میان هیاهوی تبلیغاتی فراوان و نصایح سران رژیم مبنی بر ضرورت شرکت وسیع مردم در آن، برگزار شد. حذف بسیاری از نامزدهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان، حتی کسانی که اجازه شرکت در پنجمین دوره انتخابات مجلس را یافته بودند، جای هیچ شک و تردیدی پیرامون ضد دموکراتیک بودن انتخابات برای کسی باقی نمی گذاشت. برای نخستین بار در سال های اخیر برخی شکل های صنفی از جمله دفتر تحکیم وحدت و

ادامه در ص ۶

### در این شماره

- مشکل «حفظ مرجعیت» در ص ۲
- مصاحبه فرج سرکوهی در ص ۲
- فاجعه بیکاری در صفحات ۵ و ۴
- نامه ای از یک رفیق در ص ۶
- «دو کلمه حرف حساب» در ص ۸

## من به باغ گل سرخ

در گشودند به باغ گل سرخ  
و من دلشده را  
به سراپرده رنگین تماشا بردند.  
من به باغ گل سرخ  
با زبان بلبل  
خواندم.  
در سماع شب سروستان  
دست افشاندم.  
در پریخانه پرنقش هزار آینه اش  
خویشتر را  
به هزاران سیما  
دیدم  
با لب آینه  
خندیدم.  
من به باغ گل سرخ  
همره قافله رنگ و نگار  
به سفر رفتم  
از خاک به گل.  
رقص رنگین شگفتن را  
در چشمه نور  
مژده دادم به بهار.  
من به باغ گل سرخ  
زیر آن ساقه تر  
عطر را زمزمه کردم تا صبح.  
من به باغ گل سرخ  
در تمام شب سرد  
روشنایی را خواندم با آب  
و سحر را  
به گل و سبزه  
بشارت دادم.

ه. ا. سایه

## پنجاه و پنجمین سالروز تأسیس سازمان جوانان توده ایران

### همبستگی پرشور جوانان و دانشجویان جهان با مبارزه جوانان و دانشجویان ایران

اول فروردین ماه مصادف با پنجاه و پنجمین سالگرد بنیان گذاری سازمان جوانان توده ایران بود. سازمان جوانان توده ای در فروردین ۱۳۲۲ بر مبنای توصیه لنین که می گوید: «ما حزب آینده ایم، آینده به نسل جوان تعلق دارد که با اشتیاق بسیار از نوآوران پیروی می کند» پایه گذاری شد و در طول حیات انقلابی خود با پیروی از خط مشی و رهنمود های حزب توده ایران در تحولات فکری و مبارزات جوانان کشورمان در دوران معاصر نقش ارزنده ای ایفا کرده است. توده ای های جوان چه در ترویج اندیشه سوسیالیسم علمی و چه در سازماندهی مبارزات توده ای فعالانه شرکت کرده اند.

ایجاد اولین تشکل های ترقی خواهانه در میان جوانان و دانشجویان و دانش آموزان کشورمان به ابتکار سازمان جوانان توده ایران بود. توده ای های جوان در جنبش ضد امپریالیستی مردم میهن ما علیه شرکت غاصب نفت جنوب، در مبارزات افشاء گرانه علیه رژیم ستم شاهی و در مبارزات شکوهمندی که به انقلاب بهمن ۵۷ انجامید شرکت فعال داشتند. سازمان جوانان در کارزار دفاع از حقوق دموکراتیک در سال های اولیه پس از انقلاب و پس از سلطه ارتجاع، در مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه نقشی فعال ایفا کرده است. در سال های اخیر شرکت جوانان در مبارزات حق طلبانه مردم در قیام های توده ای در اسلام شهر و قزوین و دراعتصاب های رشد یابنده کارخانه ها، و در تظاهرات اعتراضی دانشگاه ها و نیز در انتخابات دوم خرداد چشم گیر بوده است. این واقعیتی است که جوانان کشورمان شدیداً از وضعیت حاکم برجامعه ناراضی هستند. علت را باید در سیاست های ارتجاعی، کهنه و غیرعلمی رژیم و ناتوانی ذاتی آن به اتخاذ هرگونه سیاست پیگیری در راستای خواسته های جوانان کشورمان جستجو کرد. بیکاری گسترده جوانان، جلوگیری از گسترش هنرها، رواج برداشت های خرافی، عدم توجه به خواسته های صنفی جوانان دانشجو و سرکوب معمول ترین تمایلات

ادامه در ص ۷

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## مشکل «حفظ مرجعیت» و «چهره‌خشن، نفرت انگیز و ضد اخلاق و انسان از اسلام»

افراد جامعه از ما جدا شوند. دانشجویان و دانشگاهیان از ما جدا شده‌اند، زنها از ما جدا شده‌اند. جوانها از ما جدا شده‌اند، چه کسی برای ما باقی مانده است؟! آیا این برخوردهای ما درست بوده است؟! مگر شهدا از میان همین جوانها برخاستند؟! ... مگر ما غیر از اینها نیروی فعال دیگری در کشور داریم که نسبت به اینها بی اعتنا باشیم و اجازه دهیم که اینها با اسلام قهر کنند؟! ما چهره‌ای خشن، نفرت انگیز، ترسناک، وحشت آور، غیر قابل انعطاف، ضد عقل، ضد منطق، ضد فطرت ضد علم و دانش و ضد اخلاق و انسانیت از اسلام ارائه کرده ایم؟! ... با سخت گیری و عیب جویی از مردم، آنها را از دین فراری ندهید. به آنها نگویید که اگر تو مسلمان هستی چرا ریشت یک متر و نیم نیست؟! با این گونه برخوردها، مردم را از دین بیزار نکنید... (روزنامه سلام، پنجشنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۷۶)

موسوی اردبیلی از مدرسین حوزه علمیه قم و رئیس سابق قوه قضائیه جمهوری اسلامی در سخنانی که روز سه شنبه ۲۶ اسفندماه در آخرین روز درس فقه خود ایراد کرد با صراحت بی سابقه ای از عمق بحران شدیدی که سرپای رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته است، پرده برداشت. اردبیلی ضمن اعلام خطر به از بین رفتن مرجعیت در اسلام از جمله گفت: «اکنون بیش از هزار سال است که نهاد مرجعیت به دست امامان معصوم بنیانگذاری شده است و علمای ما مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، و... به ما رسیده است. اگر ما توانیم در زمان خود نهاد مرجعیت را حفظ کنیم برای ما به عنوان یک ننگ بسیار بزرگ ثبت خواهد شد که امامتی هزار ساله را ضایع کردیم و نتوانسته ایم آبرو و حیثیت آن را حفظ نماییم...». اردبیلی در ادامه همین سخنان اضافه کرد که: «... ما در زمان خودمان با انجام برخی عملکردها سبب شده ایم بیش از سه چهارم



### بخش‌هایی از مصاحبه روزنامه «جامعه» با فرج سرکوهی

«از آبان ۱۳۷۵ ماجرای شما یکی از بحث انگیزترین موضوع‌های فرهنگی - سیاسی بود که در رسانه‌های خارجی منعکس شد. ماجرا چه بود و چه سرانجامی یافت؟»

«ج: در موقعیت کنونی مجال بازگویی آنچه را در ۳ سال گذشته بر من و برخی نویسندگان دیگر رفته است، ندارم. فکر می‌کنم واقعیت ماجرای اخیر مرا همه می‌دانند. در نامه‌ای که در ۱۴ دی ماه ۱۳۷۵ خطاب به همسرم نوشتم و در ایران چاپ نشد اما بازتاب گسترده‌ای یافت، به گوشه‌هایی از آنچه بر من رفت اشاره کرده‌ام. نمی‌خواهم به آن مسائلی دامن بزنم که نمک پاشیدن به زخمی دردناک است. به همین بسنده می‌کنم که در آبان ۱۳۷۵، هنگامی که برای دیدن همسر و فرزندانم قصد مسافرت به آلمان را داشتم، دستگیر و در ۳۰ آذر ۷۵ آزاد شدم. در بهمن ماه ۱۳۷۵ مجدداً دستگیر و تا بهمن ۱۳۷۶ در زندان بودم.»

«از آنچه برخی کسان و برخی رسانه‌ها در ایران علیه من گفتند و نوشتند آگاهی دارید گرچه سخن خاموشان شنیده‌اید. در چند سال گذشته به ویژه پس از انتشار متن نامه ۱۳۴ نویسنده در سال ۷۳ که من هم یکی از امضاء کنندگان آن و یکی از ۸ نفری بودم که در جمع آوری امضاء برای آن فعالیت داشتم - و پس از آن تعدادی از نویسندگان از جمله من ضرورت تجدید فعالیت کانون نویسندگان را مطرح کردیم، سبلی از ناروا و موجبی از داستان‌های جعلی و خبرهای دروغ درباره ما، در برخی از رسانه‌های رسمی و نیمه رسمی منتشر شد و فشارهای دیگری نیز اعمال شد. از خود گفتن دل آزار است اما چون پرسیده‌اید، گذشته از آنچه در زندان بر من رفت، پیش و پس از بازداشت برخی کسان و برخی از رسانه‌های جمعی در ایران معیارهای قانونی و انسانی و اخلاقی را زیر پا گذاشتند و از طرح افتراها و اتهام‌های نادرست، جعل داستان‌های دروغین و... ابا نکردند. هدف اصلی این بود: پرونده سازی و مخدوش کردن چهره نویسندگانی که با سانسور رسمی و غیر رسمی، خود سانسوری ناخواسته، تحمیل فضای تک صدایی بر فرهنگ، برخورد سیاسی با مسایل فرهنگی و فعالان عرصه فرهنگ، مخالف بودیم و به آزادی بیان، قلم و اندیشه و ضرورت حضور کانون نویسندگان در عرصه فرهنگ باور داشتیم...»

## مشارکت مالی یا مشارکت دلالی

معنا می‌کند. افزون بر این چنین عملکردهایی همچنان که در گذشته بارها اثبات شده است، نه تنها پیامد مثبتی برای اقتصاد کشور بدنبال ندارد بلکه در عمل به افزایش تورم و بالا رفتن قیمت‌ها منجر می‌شود. به عنوان نمونه، دولت رفسنجانی در سال‌های آخر کار خود ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه را برای مبارزه با «گران فروشی» پیشنهاد کرد. براساس این «ابتکار سردار سازندگی»، نیز قرار بود که سرمایه گذاران در مقابل دریافت سود تضمین شده، راه را برای ارزان شدن اجناس و خلاصی مردم از گرانی باز کنند. مردم نه تنها اثری از این اجناس ارزان در فروشگاه‌های رفاه نیافتند بلکه تنها خاصیت این ابتکار ارائه سود تضمینی به کلان سرمایه دارانی بود که خود نقش مهمی در گرانی اجناس ایفاء می‌کردند. اقدام اخیر دولت جمهوری اسلامی نیز نه تنها در دراز مدت در جهت منافع ملی و مردم میهن ما نیست بلکه حاصلی جز افزایش دیون دولت و فرقه تر شدن کلان سرمایه دارانی که میلیاردها تومان ثروت ملی کشور ما را به غارت برده‌اند، ندارد.

دولت جمهوری اسلامی برای «تأمین بخشی از منابع طرح‌های انتفاعی دولت در جهت مشارکت مردمی در طرح‌های سازندگی اقدام به عرضه اوراق مشارکت سه ساله به مبلغ ۲۲۵ میلیارد تومان کرده است. اوراق مذکور در قطعات ده هزار تومانی و یا یک میلیون تومانی عرضه خواهد شد و دارندگان این اوراق هر سه ماه ۲۰ درصد سود مالی علی الحساب از بانک ملی دریافت می‌کنند.» (روزنامه اطلاعات). یکی از هدف‌های عمده دولت در عرضه اوراق یاد شده تأمین بخشی از کسری بودجه امسال است که حدود ۱۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است و بنظر می‌رسد که اگر تمام سهام عرضه شده در بازار به فروش برسد دولت بخشی از کسری بودجه خود را برای مدتی محدود تأمین خواهد کرد و توان عملی ساختن برخی تعهدات خود را خواهد یافت. هر دولتی می‌تواند برای رفع تنگناهای مالی خود به مردم برای کمک مراجعه کند، مسأله مهم در این زمینه چگونگی پیاده شدن این گونه طرح‌ها است. تأمین ۲۰ درصد سود علی الحساب برای کلان سرمایه دارانی که منابع عظیم مالی در اختیار خود دارند جنبه «ملی» چنین اقدام‌هایی را بشدت زیر علامت سؤال می‌برد، و این اقدام را همچون گرفتن قرض از کلان سرمایه داران با ربح کمر شکن

## «پیام انتخابات ۲۲ اسفندماه»

کرد که از شعارهای زیبا، اما عملکرد عافیت جویانه دست بردارد و تلاش کند تا خواست‌های مردم نهادینه شود... به نوشته روزنامه جامعه «این بیانیه با اشاره به اینکه پیام ۲۲ اسفند بیان دیگری از پیام دوم خرداد بود»، می‌افزاید: «مردم تهران هماهنگ با جنبش دانشجویان با واکنش مناسب، پیامی دیگر به انحصار جویان قدرت دادند...»

لازم به تذکر است که در تهران با جمعیت ۸ میلیونی کمی بیش از ۲۰۰ هزار رأی به صندوق‌ها ریخته شده بود که نفراول تهران تنها موفق به کسب ۹۰ هزار رأی در جریان انتخابات شد. خانم فاطمه کروی نامزد جناح خاتمی تنها توانست ۸۱ هزار رأی کسب کند.

بر اساس گزارش روزنامه جامعه، دوشنبه ۲۵ اسفندماه «اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها» با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که انتخاب شدگان در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس، نمایندگان واقعی مردم نیستند.

در این بیانیه که با عنوان «پیام ۲۲ اسفند برای دولت خاتمی» انتشار یافته است از جمله می‌خوانیم: «با توجه به جمعیت ۸ میلیونی تهران و شرکت نکردن آنان در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس، رأی مذکور مخدوش و افراد انتخاب شده نماینده واقعی مردم نیستند... ۲۲ اسفند به طریق دیگر پیام دوم خرداد را شفافتر کرد و ضمن ابراز ناخشنودی از جریان انحصار قدرت، به دولت سید محمد خاتمی اعلام

## تشدید مبارزه و گسترش...

اوایل بهمن ماه اعتصاب گسترده ای را سازماندهی کردند، که بیش از ۲ هفته به طول انجامیده، عمده ترین خواست های کارگران نساجی به شهر عبارت بودند از: افزایش سطح دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم، پرداخت بموقع دستمزدها و دریافت عیدی و پاداش و حق دارا بودن تشکل مستقل صنفی. همچنین، کارگران کارخانه قند پیرانشهر به علت عدم پرداخت به موقع دستمزدهایشان دست از کار کشیدند. برقراری سیستم ایمنی، حفاظت و بهداشت در محیط کار، افزایش دستمزدها و پرداخت بموقع آن از خواست های مشخص کارگران اعتصابی کارخانه قند پیرانشهر بود.

یکی از اعتصاب های مهم و پرازش در هفته های اخیر، اعتصاب یکپارچه کارگران شرکت جنرال (که در جمهوری اسلامی به شرکت جبال مشهور شده) بود. روزنامه فردا چاپ تهران در تاریخ ۱۸ بهمن، علت این اعتصاب یکپارچه و نیرومند را اعتراض کارگران به نحوه واگذاری سهام شرکت به بخش خصوصی، و پایمال کردن حقوق کارگران اعلام کرد. این روزنامه در این باره نوشت: «... در پی دعوت سازمان صنایع ملی از کارگران برای خرید سهام شرکت، کارگران بطور جمعی با فروش اثاثیه منزل خود و غیره پولی را جمع آوری کرده و طی ۴ فقره چک بمبلغ ۲۱ میلیون تومان به حساب درخواست شده واریز کردند، اما چند روز بعد سازمان صنایع ملی به بهانه وجود ابرام در نحوه واگذاری سهام این شرکت، چک های کارگران را عودت داد و تا کنون به شکایت کارگران در این مورد رسیدگی نشده است.

نماینده کارگران اعتصابی گفته است، که علت این حرکت اعتراضی، فروش کارخانه و واگذاری آن به سرمایه داران و تبانی کارفرما و سرمایه داران با سازمان صنایع ملی علیه کارگران بوده است. اعتصاب کارگران شرکت جنرال به دلیل یکپارچگی و اتحاد کارگران و نیز خواست های مشخص، از جمله اعتراض به واگذاری سهام به بخش خصوصی، شایان توجه جدی ست. لازم به یادآوری است که این حرکت کارگران در واقع پاسخ روشن و قاطع به رژیم «ولایت فقیه»، دولت و مجلس این رژیم است که در یک اقدام ضد کارگری تبصره ای را به لایحه بودجه ۱۳۷۷ خورشیدی کل کشور افزودند که طبق آن واگذاری سهام به کارگران پایان یافته و تعطیل اعلام می شود.

تبصره الحاقی ۳۵ به لایحه بودجه ۱۳۷۷ خورشیدی کل کشور مقرر می دارد که «به منظور کاهش حجم تصدی دولت و تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی، دولت موظف است تا قبل از ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ خورشیدی، تکلیف شرکت های دولتی را از طریق انحلال و یافروش سهام آنها به بخش خصوصی مشخص کند». به بیان روشن، بر پایه این تبصره الحاقی (تبصره ۳۵)، یکی از دستاوردهای جنبش سندیکایی و کارگری میهن ما که حق بدیهی کارگران قلمداد می شود پایمال می گردد و هیچ سهامی در مراحل واگذاری، به کارگران تعلق نمی گیرد، و حضرات سرمایه داران در کف حمایت «قانونی» دولت و مجلس شرکت ها و کارخانه ها را با نازل ترین قیمت تصاحب می کنند. اتفاقاً اعتصاب یکپارچه کارگران شرکت جنرال و پا فشاری هوشیارانه آنها بر روی همین مسئله، نشانگر بیداری و ژرفای آگاهی طبقاتی کارگران در شرایط کنونی و استفاده بموقع آنها از شعار واقع بینانه و خواست منطقی حق کارگران برای تصاحب سهام کارخانه ها و شرکت هاست: این اقدام نه تنها معنای صنفی بلکه محتوی سیاسی کاملاً آشکاری دارد. اعتصاب کارگران شرکت جنرال، نمودار رشد مبارزه و ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی کارگران میهن ماست. این آگاهی و رشد آن، در مبارزات آینده نقش خطیر ایفا خواهد کرد.

از زمره اعتصاب های با اهمیت دیگر، اعتصاب کارگران نیروگاه برق نکا است، که بازتاب گسترده ای در میان کارگران و بطور کلی در جامعه داشته است. کارگران نیروگاه برق نکا، خواهان افزایش دستمزدها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بوده و همچنین حق داشتن سندیکای مستقل کارگری را عنوان کرده اند. این حرکت اعتراضی نگرانی شدید سران رژیم «ولایت فقیه» را برانگیخت و رژیم با دادن وعده هایی سعی در جلوگیری از گسترش اعتصاب کرد. از سوی دیگر در اوایل اسفندماه کارگران شرکت تولیدی علاءالدین واقع در جاده کرج در اعتراض به خصوصی سازی و نبود امنیت شغلی، اعتصاب کردند.

روزنامه رسالت ارگان باند حجتیه خبر این اعتصاب را منعکس کرد و در این باره از جمله نوشت: «... کارگران به علت نداشتن امنیت شغلی و حذف مزایا دست از کار کشیدند...» شرکت تولیدی «علاءالدین» سه سال پیش به بخش خصوصی واگذار شده بود و از آن تاریخ، شرایط کار و معیشت کارگران رو به وخامت گذارد و صدها کارگر از کارخانه اخراج شدند. خواست مشخص کارگران در اعتصاب اخیر افزایش دستمزدها، جلوگیری از اخراج و دریافت دوباره مزایای غیر نقدی عنوان شده

است. اعتراض کارگران آگاه و مبارز میهن ما به سیاست ضد کارگری خصوصی سازی به همین حرکت ها محدود نمی شود. کارگران در سراسر کشور علیه این سیاست ها مبارزه می کنند.

در همین زمینه کارگران کارخانه خانه های پیش ساخته کرمان نیز در واکنش به خصوصی سازی در این واحد تولیدی در اوایل اسفند ماه ۷۶ اعتصاب کردند. کارگران این کارخانه ابتدا طوماری امضاء کردند و پس از آن در یک اقدام هماهنگ خط تولید را تعطیل و رسماً اعلام اعتصاب کردند. کارگران معدن شاهرود نیز در اعتراض به سیاست خصوصی سازی، پایین بودن سطح دستمزدها و نیز عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در حرکتی سازمان یافته، اعتصاب کردند. در برابر این اعتصاب های سازمان یافته و منسجم، رژیم «ولایت فقیه» ترفندهای متعددی را بکار بسته و اجرا می کند، از جمله برخورد سرکوبگرانه و خشن با کارگران در کارخانه جهان جیت کرج. رژیم در برابر کارگران اعتصابی به سرکوب و اخراج آنها متوسل شد. در این کارخانه جمهوری اسلامی «دادگاهی» برپا کرد و در آن طی یک محاکمه مضحک و غیر قانونی عده ای از کارگران را تحت عنوان «مسئول اعتصاب»، «عامل اغتشاش»، «فعالین اعتصابی» و «ضد انقلاب و ...» اخراج کرد. در کارخانه های گروه صنعتی ملی که اعتصاب درخشان و فوق العاده ارزشمندی در آن سازماندهی شد، و نیز کارخانه قطعات پولادی کرج، رژیم رفتار مشابهی کرده و عده ای از کارگران اخراج و یا تهدید به اخراج کرده است.

کارگران در گروه صنعتی ملی، قطعات پولادی و جهان جیت متحداً به این حرکت یعنی اخراج کارگران اعتصابی، معترض شده اند و موجی از خشم و نفرت در محافل کارگری بالا گرفته است. به دنبال این مبارزه جوی طبقه کارگر، برخی از جناح های حاکمیت نسبت به تندروی و فشار به کارگران از سوی ارگان های سرکوب نظیر وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج، و حراست و ایمنی های اسلامی کارخانه ها و نیز قوه قضائیه، هشدار دادند.

روزنامه «کار و کارگر» در هراس جدی از سرانجام واکنش طبقه کارگر، با صراحت نوشت که در برخورد به خواست کارگران و اینگونه مسایل صنفی، اقدامات تند و حرکت های پلیسی - امنیتی به «سود نظام» نیست! این موضعگیری و موضعگیری هایی نظیر آن نه از روی علاقمندی به منافع زحمتکشان، بلکه صرفاً از روی مصلحت اندیشی به «سود نظام» پوسیده «ولایت فقیه» اتخاذ می گردد.

یکی از آخرین اعتصاب ها که خبر آن به بیرون درز پیدا کرده است، اعتصاب در مرکز اتوبوسرانی و شرکت واحد تهران است. زحمتکشان شرکت واحد بارها به اشکال گوناگون نظیر تحصن، امضاء طومار و سازماندهی اعتصاب های موقت و کوتاه مدت، خواستار احقاق حقوق خود شده اند. در اعتصاب اخیر نیز افزایش سطح دستمزدها و بهبود خدمات پزشکی و درمانی و پرداخت بموقع دستمزدها، عیدی و پاداش از جمله مطالبات کارکنان زحمتکش مرکز اتوبوسرانی شرکت واحد است.

آنچه با اجمال بدان اشاره شد، گوشه ای از جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان میهن ما در شرایط کنونی است. باید تأکید کرد که اعتصاب های کارگری در آخرین ماه های سال کنونی و در آستانه سال نو از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، زیرا طی همین ماه ها شورای عالی کار می بایست میزان و سطح دستمزدها را برای سال آینده اعلام می کرد. اعتصاب های کنونی در واقع پیکار سترگ کارگران برای تأثیر گذاری بر تصمیم های نهادهایی نظیر شورای عالی کار محسوب می شود و لذا از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

تشدید مبارزه و گسترش اعتصاب های کارگری، سلاح کارآمد و بسیار نیرومند طبقه کارگر برای احقاق حقوق خوداست. مبارزه کارگران همچنین تأثیر قاطع و تعیین کننده ای در نبرد سراسری توده ها علیه رژیم «ولایت فقیه» دارد. اعتصاب های کنونی صرف نظر از اهمیت صنفی، در بعد سیاسی پاسخ طبقه کارگر ایران به رژیمی ست که با وعده های دروغین و فشار سرنیزه برای میهن ما و مردم زحمتکش آن رویای آرامش گورستانی را در سر می پروراند.

پیوند زدن مبارزات روبه رشد کارگری به جنبش اعتراضی جوانان و دانشجویان و پیکار گسترده زنان علیه سیاست های ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» وظیفه مهم و درنگ ناپذیری است که نیروهای مترقی و پیشرو جامعه می توانند و می باید نقش مهمی در آن ایفا کنند.

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

## فاجعه بیکاری در رژیم «ولایت فقیه»

آبان ماه ۱۳۷۶ از قول دبیر مشاور شورای عالی اشتغال مناطق جنگ زده اعلام می کند که «به دلیل تغییر بافت اقتصادی شهرهایی چون خرمشهر، آبادان و قصر شیرین نرخ بیکاری در این مناطق بالاتر از نرخ بیکاری سایر مناطق کشور است.»

مسأله در اینجاست که ارقام رسمی اعلام شده هم به هیچ وجه نشان دهنده ابعاد واقعی بیکاری نیستند زیرا از یک طرف معیار تعریف بیکاری از جانب مقام های ذریبط اعلام نمی شود (حقیقت این است که میلیون ها شهروند بیکار شامل زنان خانه دار به دلیل عدم ثبت نام در لیست های جویندگان کار در چنین تعریفی گنجانده نمی شوند) و از طرف دیگر بنظر می رسد که سیاستگذاران اقتصادی کشور بر این حقیقت که به دلیل تغییر بافت سنی جامعه از سوئی، و نیز به دلیل ضعف تولید صنعتی و عدم برنامه ریزی اقتصادی از سوی دیگر، شمار بیکاران به سرعت در حال تزايد اند، کاملاً چشم بسته اند. حسین عظیمی یکی از اقتصاد دان کشور در روزنامه همشهری ۱۳ دی ماه ۱۳۷۶ «نیز به ایجاد ۳۲ میلیون فرصت شغلی طی ۲۵ سال آینده» را پیش بینی می کند، و هفته نامه میهن در مقاله ای زیر عنوان «چشم انداز اشتغال در ایران» اقرار می کند که «با روند فعلی تا سال ۱۴۰۰ کشور با ۹ میلیون بیکار روبروست و اگر رقم تقریبی خانوار را بر اساس آخرین سرشماری آمار ۵ نفر محاسبه کنیم، حدود ۵۰ میلیون از جمعیت کشور در ۲۰ سال آینده فاقد تامین مالی هستند.»

مسئولان رژیم سعی می کنند چنین وضعیتی را طبیعی و غیر قابل پیش بینی جلوه بدهند، اما واقعیت اینستکه وضعیت انفجار آمیز بیکاری توده ای محصول بلاواسطه سیاست های ناخردانه اقتصادی رژیم است.

دلیل عمده کمبود اشتغال، عدم سرمایه گذاری در عرصه صنعت، به ورشکستگی کشاندن صنایع موجود کشور و سقوط کشاورزی مملکت است. دکتر علی رشیدی از صاحب نظران اقتصادی کشور اخیراً در نوشته تحقیقی در مورد وضعیت اشتغال مطرح کرد که «بر اساس برآوردهای موجود سالانه حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر وارد بازار کار می شوند در حالیکه اقتصاد کشور در بهترین شرایط فقط می تواند ۲۵۰ هزار شغل جدید ایجاد کند.» نماینده لرستان در مجلس انگشت بر نکته گری می گذارد و می گوید: «با اینکه نرخ بیکاری در استان لرستان ۲۷ درصد است اما راه منابع اعتباری همچنان بر روی استان ما بسته است.»

فاجعه در این نکته است که هر چقدر زمان می گذرد، به دلیل تغییر بافت سنی جمعیت، وضعیت اشتغال وخیم تر می گردد. بر اساس آمار موجود در سال ۱۳۷۵ از مجموع ۶۰ میلیون جمعیت کشور ۳۳/۶ میلیون یعنی ۵۹ درصد در سنین بین ۱۵ تا ۶۵ قرار داشتند که به عنوان جمعیت بالقوه فعال محسوب می گردد. از این عده حداکثر ۱۲ میلیون نفر به کار مشغولند (صرف نظر از کیفیت کار و اینکه آیا تمام وقت و یا نیمه وقت هستند) و بقیه یعنی نزدیک به ۲۱ میلیون نفر از جمعیت بالقوه فعال هیچگونه دخالتی در بازار کار ندارند. بر اساس آمارهای منتشر شده ۳۰ درصد از ۱۸ میلیون نفر جمعیت بالقوه فعال طالب کار هستند یعنی عملاً حدود ۶ میلیون نفر در جامعه بیکار محسوب می شوند.

بر اساس برآوردهای آماری ۶۳ درصد بیکاران رسمی کشور را نیروی بیکار بسیار جوان (۱۵ - ۲۹ ساله) تشکیل می دهد. تجربه تمامی کشورهای جهان نشان داده است که بیکاری وسیع بین جوانان اثرات مخربی از نظر اجتماعی خواهد داشت. گسترش بزهکاری، اعتیاد، رواج بوج انگاری اجتماعی، افزایش خودکشی و فردگرایی از اثرات چنین پدیده ای است. اگر ما وضعیت کنونی را بحرانی می دانیم، شرایط اشتغال در سال ۱۴۰۰ یعنی ۲۴ سال بعد دیگر واقعا فاجعه بار خواهد بود. بر اساس برآوردهای علمی جمعیت بالقوه فعال کشور (۱۵ - ۴۵ ساله) در سال ۱۴۰۰ حداقل ۶۵ میلیون نفر خواهد بود. بنابراین در ۲۵ سال آینده اگر بخواهیم میزان بیکاری از حد کنونی آن بالاتر نرود باید حداقل برای ۳۲ میلیون نفر در فکر ایجاد اشتغال باشیم. در جوامع پیشرفته و صنعتی حدود ۶۰ - ۷۰ درصد نیروی بالقوه فعال باید به کار مفید اشتغال داشته باشد. سوال اینست که چگونه می توان از چنین توان عظیم انسانی در جهت ساختمان یک اقتصاد پویا و بار آور استفاده کرد. آنچه مشخص است اینکه ادامه حکومت رژیم «ولایت فقیه» و سیاست های ورشکسته آن در این جهت راهی را نخواهد گشود چرا که بیکاری مزمن کنونی و تلف کردن بخش عمده ای از استعداد انسانی جامعه از تبعات مشخص سیاست های اقتصادی رژیم است. یکی از مشخصات ویژه اقتصاد در سال های پس از انقلاب انهدام توان تولیدی بخش صنعت و کشاورزی در مقابل فریه شدن بخش خدمات است. اگر بخش کشاورزی در سال ۱۳۵۵ یعنی در آستانه انقلاب ۳۴/۲ درصد جمعیت شاغل را در بر می گرفت در سال ۱۳۷۰ و در ابتدای برنامه اول اقتصادی رژیم، فقط ۲۴/۵ درصد شاغلین را شامل می شد. بخش صنعت که در سال ۱۳۵۵

معضل بیکاری، و لزوم ایجاد اشتغال، در ماه های اخیر هم در سخنان مقامات با نفوذ رژیم و هم در بحث های کارشناسانه خبرگان اقتصادی کشور در مطبوعات مجاز بطور برجسته ای مطرح بوده است. توجه یکباره به لزوم ایجاد اشتغال و بکارگیری سیاست های مشخص در این ارتباط در حقیقت واکنش در برابر بحران همه جانبه ای است که به دلیل شکست سیاست های اقتصادی رژیم، بازار کار کشور را در بر گرفته است. نگاهی دقیق به آمار های موجود روشن می کند که در حقیقت بیکاری توده ای و مزمن به یکی از مشخصات بارز اقتصاد کشور بدل شده و تبعات اجتماعی آن جامعه را عمیقاً متاثر کرده است. فقر، جنایت، اعتیاد، عدم امنیت شغلی نه فقط در پایتخت و شهرهای عمده صنعتی، بلکه در شهرستان های دور افتاده نیز از ثمرات تلخ بیکاری بوده است. رهبران رژیم که تا چندی پیش در هر فرصتی شکوفایی اقتصادی کشور را جار می زدند، یکباره به دست و پا افتاده اند که مشکل بیکاری را چاره ای ببینند. هاشمی رفسنجانی، «سردار سازندگی»، رژیم که برای ۸ سال در مقام ریاست جمهوری اختیار قوه مجریه را در دست داشت، در روز ۳ آذرماه ۱۳۷۶ در توضیح دیدگاه های خود در مورد مسایل سیاسی کشور مطرح کرد که «الان مسأله مهم اشتغال است. این همه جوان جوئی کار اگر سازندگی نباشد باید چگونه جذب کار شوند و به سوی کارهای انگلی روی نیاورند.»

دکتر محمد علی نجفی رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در گفتگویی با خبرنگاران در ۹ آذرماه ۱۳۷۶ کمی مشخص تر در مورد ابعاد مشکل بیکاری و «راه حل های» دولت آقای خاتمی اظهار نظر کرد. او گفت: «با توجه به اهمیت مسأله اشتغال و لزوم کاستن از بیکاران کشور که در شرایط کنونی ۹/۵ درصد از جمعیت فعال کشور را شامل می شود در لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ تلاش شده است که سمت گیری به سوی حل اساسی بیکاری در کشور باشد و به همین دلیل سهم بزرگتری از منابع مالی کشور را به این امر اختصاص دادیم». آنچه باید مورد توجه قرار گیرد اینست که رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور که باید از مطلع ترین اشخاص در خصوص مسأله بیکاری، ابعاد واقعی آن و نیز تعریف نیروی فعال جامعه و وسعت منابع ضروری برای حل معضل بیکاری باشد با ذکر درصدی نادرست از رقم بیکاران و ارائه تعریفی مخدوش از نیروی فعال جامعه و وعده اختصاص بودجه ای که حتی کفاف ایجاد اشتغال برای ۲ درصد بیکاران موجود را نمی دهد، دست خود و رژیم ورشکسته متبوع خود را باز می کند.

دکتر نجفی در هماهنگی کامل با سیاستگذاران اقتصادهای نولیبرالی، در دیگر کشورهای جهان سوم، و در تبعیت از رهنمودهای صندوق بین المللی پول می گوید که دولت نمی تواند ایجاد اشتغال کند و باید بسترهایی را که زمینه ساز اشتغال هستند فراهم کند. او وعده می دهد که «در بودجه سال آینده ۳۰۰ میلیارد ریال برای این کار اختصاص دهد» رئیس جمهوری که قول های او در مورد ایجاد اشتغال و عدالت اجتماعی و اقتصاد مردمی هنوز در گوش مردم میهن ما زنگ می زند در سخنرانی خود در ۹ آذرماه در مجلس اسلامی در اشاره به جمع وسیعی که در ده سال آینده به بازار کار می آیند گفت: «ایجاد فرصت های اشتغال برای این جمعیت بزرگ تنها از سوی دولت نه ممکن و نه مطلوب است». روزنامه همنشهری با اشاره به وعده های دولت به اختصاص ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار بودجه به ایجاد اشتغال برای جوانان مدعی است که این مبلغ معادل ایجاد ۲۰/۰۰۰ شغل صنعتی است. در حالی که حتی به تخمین کارشناسان رسمی کشور این مبلغ حداکثر می تواند ۵۰۰۰ فرصت شغلی در صنعت ایجاد کند و نه رقم ادعایی ۲۰/۰۰۰ شغل. از طرف دیگر حتی اگر این برآورد درست باشد برنامه دولت برای حل مشکل بیکاری ۲۰۰۰۰۰ نفر بیکار رسمی دیگر چیست؟ مسأله این است که ابعاد بیکاری به مراتب وسیع تر از ارقام رسمی اعلام شده است و با بزک کردن چهره این غول مهیب اجتماعی نمی توان مردم را به تحمل آن فراخواند.

نشریه سازمان برنامه و بودجه کشور نرخ بیکاری در کشور را در سال ۱۳۷۵ حدود ۹/۸ درصد اعلام می کند. گرچه این رقم خود نمایشگر یک مشکل بنیادی در اقتصاد کشور است، ولیکن شواهد فراوانی را می توان ارائه داد که اثبات می کند نرخ بیکاری بسیار بالاتر از رقم ادعایی دولت است.

آمار رسمی دولتی نرخ بیکاری در استان خوزستان را به طور متوسط ۲۰/۸۷ درصد اعلام می کند. در آبادان ۳۳/۳ درصد نیروی فعال جامعه بیکار است. در گیلان نرخ متوسط بیکاری طبق آمار منابع رسمی ۵/۱۸ درصد است. در بندر انزلی ۲۵ درصد مردم بیکار هستند. آمار رسمی چنان بی اعتبار و دور از واقعیت اند که عبدالله زاده استاندار کردستان، در مصاحبه ای ضمن برخورد با آمار های ارائه شده پیرامون کاهش نرخ بیکاری در کردستان، خواستار شد که از این پس استخراج و تنظیم آمار در کمیسیون های ویژه و با نظارت مسئولین و تیم های ویژه صورت گیرد. در ادعای به مشکل بیکاری و ابعاد غیر قابل تحمل آن هفته نامه میهن در شماره ۱۰

## ادامه فاجعه بیکاری ...

۳۴/۲ درصد جمعیت شاغل را شامل می شد، در سال ۱۳۷۰ در این بخش تنها ۲۷/۷ درصد شاغلین به کار مشغول بودند. در حالیکه رشته خدمات در سال ۱۳۵۵، ۲/۸ شاغلین را شامل می شد، در سال ۴۷/۹ درصد کارگران و کارمندان در این رشته به کار مشغول بودند. دلیل چنین ناهنجاری در ساختار اشتغال را باید در سیاست های ارضی و تولید رژیم جستجو کرد.

مقاومت رهبران مرتجع رژیم در مقابل یک اصلاحات ارضی دموکراتیک و عدم توجه دولت به بخش کشاورزی و وضع دشوار زندگی روستائیان خیل عظیمی را در جستجوی درآمد بالاتر و سراب رفاه در شهرها، از دهات کوچانده است. اما رکود تولید و عدم سرمایه گذاری لازم در بخش صنایع باعث توقف رشد اشتغال در صنعت و معادن گردیده و لذا میلیون ها دهقان سابق در حاشیه شهرها به خیل میلیونی بیکاران اضافه شده اند و فعالیت های خدماتی غیرمولد در این دوران افزایش یافت. در طول ۳۰ سال اخیر تعداد شاغلان در بخش کشاورزی از ۴۸ درصد به ۲۳ درصد رسیده است. در حال حاضر حدود ۳ میلیون نفر در بخش کشاورزی مشغول فعالیت هستند. خطرناکترین مشخصه وضعیت کنونی این است که به موازات کاهش تعداد شاغلان در بخش کشاورزی، ترکیب سنی آنان نیز بطور منفی در حال تغییر است. بررسی های جدید نشان می دهد که نسل جوان اشتیاقی به کار کشاورزی نشان نمی دهد و درحالی که درصد شاغلین ۱۰ - ۱۹ ساله در بخش کشاورزی کم شده، و درصد شاغلین ۲۰ - ۳۱ ساله ثابت مانده است درصد شاغلین از ۶۰ سال به بالا رشد قابل ملاحظه ای داشته است. این روند در ضمن باعث کند شدن روندمایشینی شدن و استفاده از تکنولوژی مدرن در بخش کشاورزی شده است. زیرا اکثر کشاورزان مسن و میانه سال کم سواد و بی سواد اند و گرایش به سمت استفاده از روش های نوین کشاورزی در آنان محدود است. شکست کشاورزی کشور به معنای مسدود شدن یکی از امکانات وسیع ایجاد اشتغال است. زیرا با توجه به تنوع آب و هوای کشور و استعداد کشاورزی در استان های مختلف، در صورت برنامه ریزی دقیق و علمی همراه با اصلاحات ارضی دموکراتیک و سرمایه گذاری مناسب، می توان نه فقط نیاز غذایی کشور را تامین، بلکه میلیونها کار ایجاد کرد. در بخش صنعت وضعیت از کشاورزی هم بدتر است. به گزارش مطبوعات رسمی کشور مدیران بسیاری از واحدهای تولیدی، کمبود سهمیه ارزی برای واردات مواد اولیه را دلیل عمده تعطیلی کارخانه ها و بیکاری کارگران می دانند.

مدیر کل صنایع آذربایجان غربی مطرح می کند که به دلیل مشکل نقدینگی، واحدهای تولیدی این استان ۵۰ درصد پائین تر از ظرفیت اسمی خود تولید می کنند. رکود اقتصادی موجب زیان دهی موسسات و باعث اخراج وسیع کارگران شده است. کمبود نقدینگی و فروش نرفتن تولیدات نیز از مشکلات عمده بخش صنعت است که هر دو ریشه در سیاست های اقتصادی رژیم دارند. در کنار همه این ها شرایط اسفناک حاکم در محیط کار به مشکل بیکاری می افزاید. اضافه کاری اجباری یکی از مشخصه های کار در کارگاه های تولیدی است. در برخی کارخانه ها کارگران مجبورند در دو شیفت ۱۲ ساعته کار کنند. کم شدن تعداد ساعات کار در هفته و ممنوع شدن اضافه کار ۴۰ درصد نرخ اشتغال را بالا می برد. دولت به جای وضع قوانین کاری مشخص و سعی در تنظیم کردن مقررات بازار کار، در پوشش مبارزه با کاغذ بازی و افزایش کارایی به واگذاری کارخانه ها زیر عنوان نظارت دولت به بخش خصوصی پرداخته است. قبل از خصوصی ساختن کارخانه ها نیز دولت به بهانه های مختلف نیروهای شاغل موسسات دولتی را کاهش داده و لذا توده وسیعی از کارگران این موسسات در صف بیکاران قرار گرفته اند. سالی دیگر بحران بدهی های خارجی ۴۰ میلیارد دلاری سال های اخیر، تعهد دولت به باز پرداخت سریع آن ها و نیز کاهش درآمد ارزی از محل فروش نفت خام، باعث شده است که بخش قابل توجهی از فعالیت های اقتصادی یا به صورت نیمه جان در جریان باشند و یا به تعطیلی کشانده شوند که این روند نیز موجب بیکاری جمع وسیعی از کارگران صنایع شده است.

### راه حل چیست؟

سازمان های کارگری و احزاب ترقی خواه همیشه علیه بیکاری به عنوان یک پدیده منفی اقتصادی که عواقب مخرب اجتماعی در پی دارد مبارزه کرده اند. یکی از دلایل چنین برخوردی این است که رشد بیکاری و دستبرد به حقوق کارگری بهم مرتبط هستند. کارفرمایان با استفاده از بیکاری وسیع، حقوق، و شرایط کاری را دشوار تر می سازند و دولت های سرمایه داری که حقوق کارگری را مانعی زیانبار برای بازار کار می دانند عامدانه و آگاهانه از برخورد کارفرمایان حمایت می کنند. سرمایه داران با تکیه بر خیل بیکاران که در صورت ادامه بیکاری با گرسنگی و بی خانمانی مواجه هستند، از کارگران می خواهند که از دستمزد عادلانه و شرایط انسانی در محیط کار صرف نظر کنند و گرنه شغل آنان به آن هایی که پشت درهای کارخانه منتظر فرصت کاری هستند، داده خواهد شد. دولت های سرمایه داری تبلیغ می کنند که با دستمزد کمتر و شرایط کاری ابتدایی و نامناسب از نظر سلامت و ایمنی کارگران گویا سرمایه داران قادر به استخدام تعداد کارگران بیشتری خواهند بود. اما در یک اقتصاد سالم متغیر اصلی در تعیین هزینه تولید محصول، هزینه اشتغال نیست بلکه هزینه اشتغال در تولید یک واحد محصول است که صحیح ترین راه برای پائین آوردن آن بالا بردن بهره وری کار است.

کاهش حقوق کارگران، وابستگی به نیروی کار ارزان را در کارفرمایان تقویت می کند و فشار برای بهبود کارایی مدیریت علمی، آموزش و تربیت حرفه ای، سرمایه گذاری جدید و دیگر طرق بهبود بهره وری را کاهش می دهد. این گرایش به نوبه خود به استمرار شیوه های تولید عقب مانده و صنعت غیر کارا کمک خواهد کرد که از نظر رقابت با تولید کنندگان مشابه، محدودیت های جدی خواهد داشت. کاهش حقوق کارگران و بیکاری وسیع نیروی کار از سوی دیگر همراه با تقلیل در آمد طبقه کارگر برای خرید محصولات مصرفی عملا در جهت رکود اقتصادی، به فروش نرفتن محصولات تولیدی، فزونی یافتن عرضه بر تقاضا، نیمه وقت شدن کار کارخانه های تولیدی و نهایتاً بیکاری توده های وسیع تری از کارگران است و اثری منفی در روند صنعتی شدن اقتصاد خواهد داشت.

براین پایه حزب توده ایران معتقد است که برای حل مشکل بیکاری باید به بحران اقتصادی که محصول سیاست های ضد میهنی رژیم های حاکم در طول سده اخیر است پرداخت. بیکاری را با شعارهای پرطمطراق و ادعاهای دروغین شروع صدها پروژه در روز و اظهار نظره های روشنفکرانه نمی توان حل کرد. راه برخورد ریشه ای به معضل بیکاری در تدوین یک سیاست اقتصادی علمی، برنامه ریزی شده و برپایه امکانات و منابع طبیعی و انسانی کشورمان نهفته است. پیشنهاد سمتگیری سوسیالیستی مطرح از سوی حزب توده ایران عناصر اصلی چنین سیاست اقتصادی را در بر دارد. برای حل بیکاری و رفاه طبقه کارگر باید سرمایه گذاری های طولانی مدت کرد. در اولین قدم باید سیاست های کلان اقتصادی را متوجه رشد تولید کرد. در صورتی که این رشد تولید با توجه به امکانات انسانی و طبیعی و نیازهای اقتصادی جامعه سازماندهی شود سود واقعی موسسات تولیدی را در پی خواهد داشت که به نوبه خود عاملی برای انباشت سرمایه و افزایش ظرفیت های تولیدی و ایجاد اشتغال خواهد بود. ایجاد اشتغال به نوبه خود با بوجود آوردن امکان مصرف، تقاضا برای تولید را بالا می برد. هستند کسانی که مدعی اند دولت فعلی قادر به سازماندهی چنین مهمی است و لذا لزومی به مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و برقراری حاکمیت یک آلترناتیو دموکراتیک نیست. واقعیت این است که برنامه های اقتصادی دولت فعلی هم به دلیل این که در اساس متشکل از وزرا و سیاستگزاران دولت های قبلی است و هم به واسطه این که این سیاست ها به روشنی ادامه همان سیاست های اقتصادی دولت های قبلی و به ویژه برنامه «تعدیل اقتصادی» است، چنین توانایی را ندارد. کارنامه رسوای دولت آقای رفسنجانی نمونه روشنی در این زمینه است. برای سامان دادن به بازار کار و ایجاد اشتغال همان گونه که در بالا ذکر شد باید شرایط منطقی برای رشد بالای تولید را فراهم کرد و این در گرو افزایش سهم سرمایه گذاری های ثابت خالص (به ویژه در بخش های صنعت و کشاورزی) از محصول ناخالص ملی است. سازمان بین المللی کار در گزارشی زیر عنوان «رشد و نیازهای پایه ای» مطرح کرده است که نرخ رشد متوسط لازم برای تامین حداقل نیازهای اساسی مردم (در آسیا) برای یک دوره ۳۰ ساله ۹/۷ درصد است.

برپایه آمارهای بانک مرکزی، رشد محصول ناخالص داخلی در صنایع و معادن در سال ۱۳۷۳، ۴/۴ درصد بوده است که تقریباً نصف میزان رشد در برنامه اول است. در بخش کشاورزی نیز دقیقاً همین سیر نزولی حاکم است. در واقع محاسبه نرخ رشد متوسط در کشور ما در طول ۳۰ ساله، اخیر، کمتر از نصف نرخ اعلام شده از طرف سازمان بین المللی کار است و شواهد عینی - اقتصادی بر این امر دلالت دارند که رشد تولید به ویژه در بخش صنعت در سال های آینده آهنگ محدودی خواهد داشت. این ادعای بی پایه و شعارگونه نیست بلکه بر واقعیت های موجود استوار است. بازیز مردوچی، اقتصاد دان، در سخنرانی خود در باره بخش صنعت و مشکلات آن که گزارش آن در مجله فراز شماره ۱ سال ۱۳۷۵ آمده است، فاش می کند که سرمایه گذاری های ثابت ناخالص بخش صنعت از ۲۳۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۱۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ کاهش یافته است. تازه بخش عمده ای از این سرمایه گذاری ها صرف بازسازی بنگاه های تولیدی می شود و فقط درصد کمی از آن برای سرمایه گذاری های خالص بوده است. بازیز مردوچی در همان سخنرانی اضافه می کند که از کل سرمایه گذاری های انجام شده در سال ۱۳۷۳ (۱۵۰ میلیارد ریال) فقط ۳۰ درصد آن سرمایه گذاری خالص بوده است.

کوتاه سخن حل مشکل بیکاری که یکی از عناصر کلیدی بحران اقتصادی کشورما است در گرو حل بحران سیاسی جامعه و آن هم فقط از طریق طرد رژیم «ولایت فقیه» ممکن است.

ایران دارای منابع طبیعی - انسانی غنی است که در صورت حاکمیت یک آلترناتیو مترقی و مردمی می توان به حرکت به سمت پایه ریزی یک اقتصاد سالم، قدرتمند و در خدمت خلق امیدوار بود. حزب توده ایران برای به قدرت رسیدن چنین آلترناتیوی مبارزه می کند.

ادامه انتخابات میاندوره ای، شکست ...

اتحادیه اسلامی دانشجویان با صدور اعلامیه های جداگانه ای ضمن اعتراض به نظارت استصوابی شورای نگهبان، خودداری خود را از شرکت در انتخابات اعلام کردند. آنچه در انتخابات ۲۲ اسفندماه قابل توجه جدی است هوشیاری توده ها در ارزیابی شرایط و تحریم وسیع و غیر قابل انکار انتخابات از سوی اکثریت مردم بود. به عنوان نمونه در تهران با جمعیت ۸ میلیون، بر اساس گزارش وزارت کشور، تنها ۲۰۰ هزار رأی به صندوق ها ریخته شد که نفر اول تنها ۹۰ هزار رأی و خانم فاطمه کروبی، نماینده مجمع روحانیون مبارز و مورد حمایت آقای خاتمی، ۸۱ هزار رأی را به خود اختصاص دادند.

اوضاع در شهرهای دیگر نیز به همین ترتیب بود. بر اساس اعتراف روزنامه های مجاز، در اصفهان به زحمت ۱۹ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند و نماینده مجمع روحانیون مبارز و عضو سردبیری روزنامه سلام، آقای مرزوقی، تنها موفق به کسب ۳۰ هزار رأی گردید. جناح های گوناگون رژیم در ارزیابی انتخابات مطالب مختلفی را منتشر کردند که جالب و حائز اهمیت است. روزنامه رسالت در ارزیابی این انتخابات تلاش کرد اثبات کند که انتخابات ۲۲ اسفند نشان داد که مردم در دوم خرداد ماه تنها به خاطر «نظام اسلامی» بود که ۲۰ میلیون رأی به صندوق ها ریختند، و روزنامه «کار و کارگر» نوشت که قضیه خیلی جدی تر از این هاست و: «قصه دوم خرداد خیلی پیچیده تر از آنست که بعضی ها فکر می کنند. دوم خرداد زاینده تحولات ساختاری در جامعه ایران بود. تحول نسل ها، جمعیت جوان کشور و توقعات جدید آنها، رفتار نامناسب برخی نهاد های حکومتی و ...» («کار و کارگر» دوشنبه ۲۵ اسفندماه).

بدیهی است که جناح های مختلف رژیم بنابه مصالح و منافع خود انتخابات دوم خرداد ماه و سپس تجربه ۲۲ اسفندماه را ارزیابی نمایند و تلاش کنند تا از این ارزیابی ها در جنگ تبلیغاتی که بین آنها درگیر است بهره جویند. ولی واقعیت امر موضوع دیگری است که پشت ادعاهای گویلی دفاع از «نظام اسلامی» و انشاء نوسنی های بی محتوی و سبک پنهان نمی ماند. حزب ما پس از انتخابات دوم خرداد ماه به روشنی اعلام کرد انتخابات یک رفتارندوم تاریخی علیه رژیم «ولایت فقیه» بود که اکثریت عظیم توده های مردم علیرغم شرایط ضد دموکراتیک تحمیل شده به آنان، در آن شرکت کردند و با قاطعیت و روشنی اعلام کردند که دیگر خواهان ادامه وضع به شکل سابق نیستند. ما به موقع خود اعلام کردیم که این ۲۰ میلیون رأی قبل از آنکه رأی به آقای خاتمی و یا طرفداران او باشد رأی مخالفت با مجموعه رژیمی که اختناق سیاه و قرون وسطایی را بر مهن ما تحمیل کرده است. رژیمی که به دلیل اتخاذ مجموعه ای از سیاست های ضد ملی و ضد مردمی اقتصاد کشور را بر لبه پرتگاه قرار داده است، میلیون ها ایرانی را به زندگی در فقر و محرومیت محکوم کرده است و در مجموع شرایط فاجعه باری را ایجاد کرده است.

انتخابات میاندوره ای مجلس به روشنی صحت این ارزیابی ما را بار دیگر به اثبات می رساند. تحریم آگاهانه مردم و رأی نازل نمایندگان سرشناس دو جناح در انتخابات نشان داد که توده ها هوشیار تر از آنند که جناحی بتواند آنها را به بازی بگيرد. پیام توده ها روشن است ده ماه پس از انتخابات دوم خرداد ماه هنوز نه تنها هیچ یک از شعارهای انتخاباتی دولت خاتمی در مورد استقرار جامعه مدنی و عدالت اجتماعی تحقق نیافته است، بلکه رژیم «ولایت فقیه» علیرغم خواست آشکار مردم همچنان به ادامه همان سیاست های گذشته مشغول است. سرکوب نیروهای دگراندیش به دست چماق داران وزارت اطلاعات و سپاه ادامه دارد، شکنجه و آزار دگر اندیشان تلویحا از سوی رییس قوه قضائیه رژیم مورد حمایت قرار می گیرد و شرایط اقتصادی نه تنها بهبودی نیافته است، بلکه روز به روز وخیم تر می گردد. در چنین شرایطی است که توده ها روز به روز و با تجربه ملموس خود به این ارزیابی حزب ما نزدیک تر می شوند که با ادامه رژیم «ولایت فقیه» امید به هرگونه تحول جدی و پایدار سرابی بیش نیست.

پیام ۲۲ اسفندماه، به گمان ما، در راستای پیام دوم خرداد هشدار دیگری به رژیم پوسیده و فاسدی است که علیرغم خواست و میل اکثریت عظیم توده های مردم همچنان به حکومت خود ادامه می دهد، حکومتی که به قول موسوی اردبیلی، یکی از سرشناس ترین افراد آن، با اعمال ضد انسانی و نفرت انگیز خود سبب شده است که سه چهارم جامعه در مقابل آن قرار گیرد. پیام ۲۲ اسفندماه پیام روشن آگاهی توده های وسیع حاضر در صحنه پیکار علیه رژیم «ولایت فقیه» است. پیام ۲۲ اسفند پیام نوری قاطع توده ها به حکومتی است که روند فروپاشی آن علیرغم خواست رهبران آن آغاز شده است. پیام نوری، که همه نیروهای ملی و آزادی خواه میهن، با روی گشاده به استقبال آن می روند.

# نامه ای از یک رفیق

«رفقای عزیز هیأت تحریریه «نامه مردم» بگذارید از راه دور مراتب تهنیت و تبریک های صمیمانه خود را به مناسبت یکصد و پنجاهمین سال انتشار «مانیفست حزب کمونیست» و همچنین برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران به اعضای حزب و از طریق شما به تمام کارگران جهان و کشورمان اعلام دارم. نزدیکی این دورویاد تاریخی با یکدیگر بسیار مسرت بخش و شور انگیز است و موقعیت مناسبی است تا بتوانم احساسات خود را به عنوان یک «رفیق» قدیمی با شما خوانندگان «نامه مردم» در میان بگذارم.

زمان آن فرا رسیده تا بسیاری از نیروهای خواهان استقلال، آزادی و به ویژه سوسیالیسم یک شیوه نگرش به گذشته جنبش کارگری را که متأسفانه بسیار هم رایج است از میان خود طرد کنند. نباید در ارزیابی از علل شکست و عقب گردها، در تاریخ پر فراز و نشیب مبارزات کارگران جهان و ایران در راه سوسیالیسم و آزادی، نقش عنصر رهبری را بیش از آنچه باید عمده و تعیین کننده دانست. حتی بهترین رهبران به وسیله شرایط عینی و تاریخی مشخصی که در آن زندگی می کنند محدود می شوند و مرتکب اشتباهات اجتناب ناپذیر و گاه جدی می گردند. فقط وقتی شرایط عینی و ذهنی (تئوری علمی) کاملاً آماده می شود نقش رهبری تعیین کننده می گردد.

تناسب قوا میان نیروهای متخاصم در عرصه ملی و بین المللی همواره یکی از مهمترین عوامل عینی است و تشخیص درست آن در هر مقطع تاریخی بسیار مهم است. پیروزی های نسبتاً بزرگ برای جبهه کار در نیمه اول قرن بیستم بیش از آنکه ناشی از رهبری های داهیهانه باشد در درجه اول ناشی از وجود شرایط عینی مناسب یعنی بحران، شکاف و جدال جدی در جبهه سرمایه و وجود حلقه های ضعیف مانند روسیه و بعد چین و غیره در زنجیر سرمایه بود.

کشورهای خاورمیانه، به ویژه ایران را هیچ گاه نمی توان به عنوان حلقه ای ضعیف از زنجیره به هم پیوسته سرمایه داری و ارتجاع به حساب آورد. امپریالیست ها بارها اعلام کردند که برای حفظ ایران در جبهه وابستگیان به سرمایه بزرگ حاضرند تا پای جنگ جهانی پیش بروند. تلاش حزب کمونیست ایران در نیمه اول قرن بیستم که شرایط عینی در سطح بین المللی آماده تر بود بیش از آنکه ناشی از اشتباهات رهبران حزب باشد همین عزم و توانایی امپریالیسم و ارتجاع را برای نابودی جنبش کارگری در ایران نشان می دهد.

در نیمه دوم قرن بیستم، با وجود پیروزی های بزرگ به دست آمده، ما شاهد ثبات نسبی در جبهه سرمایه و بحران، انشقاق، بی تجربگی و به ویژه عدم وجود یک برنامه دقیق و همه جانبه برای ساختمان سوسیالیسم در محاصره سرمایه در جبهه کار هستیم. حزب توده ایران در آستانه گذار جهان به همین دوران تاریخی، در یکی از مهمترین حلقه های زنجیره سرمایه، تأسیس شد و اکثر عمر خود را در این دوره بسیار سخت سپری کرد. «کودکی که در مهرماه ۱۳۲۰ متولد شد به «استقبال تاریخی که گردبادهای سهمگین در شیخون آذرخش و غریو و زلزله آن را چون گهواره تکان می داد، رفت.» فهم این حقیقت برای بسیاری از ما که خواهان ارزیابی صادقانه از گذشته بودیم تنها گذشت زمانی میسر گردید که خود گرفتار شبیخون ددمنشانه رژیم «ولایت فقیه» شدیم و برخی گهواره ها حتی تحمل تکان های سخت را نداشتند. اتفاقاً برخی از رفقا که از تاریخ نیاموخته بودند با نفی مطلق گذشته خودشان با رهبران خود همان کردند که رهبران سال ها پیش با همان شیوه غیر اصولی با حزب توده ایران کردند.

تکیه روی این حقیقت به معنای فراخوان برای توجیه اشتباهات نیست، بلکه تأکید بر اهمیت قضاوت معقول با توجه به شرایط عینی مبارزه است. به قول رفیق مهرگان «کدام طلاست که با ترکیبی از مس همراه نباشد، این آلیاژ اما طلا بودن طلا را زیر علامت سؤال نمی برد. پیش از هر قضاوتی در باره عیار طلا و مس هستی تاریخی حزب توده ایران، نخست عنصر اصلی این تاریخ را باید شناخت.» این شیوه نگرش به ستن جنبش کارگری که حزب توده ایران جزء اصلی آن است، تنها برخورد سازنده از موضع کارگری است. حزب توده ایران در طول تاریخ پر افتخار خود از پیچ و خم های بزرگی گذر کرده است و با دادن قربانی های بیشمار توانسته مبارزه ای را که حیدر ها و ارانی ها آغاز گر آن بودند بدون وقفه ادامه دهد. اما سزاوار نیست مصائبی را که در طول پانزده سال گذشته بر جنبش کارگری ایران و جهان گذشت با وقایع گذشته همطراز قرار داد.

رفقا شما موفق شدید کشتی حزب را در یکی از طوفانی ترین دوران مبارزه طبقاتی هدایت کنید و علی رغم تلفات سنگین و از بین رفتن صدها تن از کادرها و رهبران حزب پرچم رزم طبقه کارگر را همچنان در اهتزاز نگاه دارید و مهر باطلی بر تمام تبلیغات گستاخانه دشمنان حزب و در رأس آنها رژیم «ولایت فقیه» که کوشش می کرد با برچسب «وابستگی» به حزب و دیگر سازمان های چپ جنایات خود را به ویژه در فاجعه ملی توجیه کند، زدید. این طوفان عظیم و تند پیچ سریع تاریخی چنان بود که آلیاژ های مس نه با فرمان تشکیلاتی، بلکه با بسط دموکراسی و برگزاری کنگره های حزبی تصفیه شدند. بدون عبور از این تجربه سخت، «عیار طلای حزب» هیچگاه نمی توانست در حد کنونی بالا و پیام رفیق تیزبایی برای من این چنین رسا باشد که می گفت: «من از نفرت شروع کردم و به ایمان رسیدم. نفرت از حزب توده میراث پدرم بود. اما ایمان به این حزب، نبرد و شهادت و سوسیالیسم را، خودم یافتم. کینه ام کور بود اما ایمانم چراغ در دست داشت. هیچ دستی بالاتر از حقیقت نیست.» رفقا از دور دستتان را می فشارم. موفق و پیروز باشید.

## ادامه پنجاه و پنجمین سالروز ...

نسل جوان تنها شماری از دستاورد های رژیم «ولایت فقیه» برای فردا سازان میهن ما است. رژیم سرکوبگر هر گونه اعتراضی را با زندان، شکنجه و اعدام پاسخ می دهد. در این برهه حیاتی از تاریخ کشور سازمان های سیاسی فعال در میان جوانان، وظیفه حساسی در ترویج تاکتیک های مبارزاتی کارا و ایجاد ارتباط لازم و منطقی بین مبارزات مهم صنفی- سیاسی جوانان و دانشجویان و جنبش توده های زحمتکش و اعتصاب ها و اعتراض های کارگری و توده ای بر عهده دارند. کارنامه پنجاه و پنج ساله سازمان جوانان حزب توده ایران نمونه تحسین برانگیزی از توان و ابتکار در سازماندهی موثر و هدفمند مبارزات جوانان و دانشجویان به عنوان بخش جداناپذیری از جنبش خلق برای دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی است. سازمان جوانان حزب توده ایران مصمم است که در سال جدید بر پایه تجربیات گرانمای جنبش توده ای ضمن حضور مستقیم در مبارزات بر حق جوانان در داخل کشور و اشاعه بینش علمی و راه گشای مارکسیسم لنینیسم و تئوری انقلابی، در عرصه بین المللی نیز چون گذشته سازمان ده همبستگی رزمجویانه جوانان گیتی با برادران و خواهران مبارز خود در ایران باشد. «آینده به ما تعلق دارد».

## سازمان جوانان توده ایران

## در اجلاس شورای عمومی فدراسیون جهانی جوانان دموکرات

اجلاس شورای عمومی فدراسیون جهانی جوانان

دموکرات در روز های ۱۴ تا ۱۷ اسفند ماه در قاهره پایتخت مصر برگزار گردید. سازمان جوانان توده ایران که از بنیانگذاران فدراسیون و در چند ساله اخیر عهده دار مسؤلیت کمیسیون مالی آن بوده است، در این اجلاس حضور فعال داشت. نمایندگان سازمان جوانان توده ایران ضمن انجام مسؤلیت های خود در چهارچوب هیأت رئیسه اجلاس، در طول مدت نشست با هیأت های نمایندگی سازمان های جوانان ترقی خواه ۲۸ کشور جهان ملاقات و تبادل نظر کرده و اوضاع کشور و شرایط کار و فعالیت جوانان ایرانی را برای آن ها تشریح کردند. هیأت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران ضمن ارائه تحلیل جامعی از روند مبارزات رو به رشد توده های زحمتکش، به توضیح اهمیت حضور زنان و جوانان در این مبارزات پرداخته و نقش ویژه آنان را در انتخابات ریاست جمهوری ۲ خرداد و شکست نامزد رسمی رژیم «ولایت فقیه» ترسیم کرد. در این تبادل نظر ها اوج گیری جنبش دانشجویی در ماه های اخیر در تهران و دیگر شهرهای دانشگاهی کشور و دورنمای رشد این مبارزات مورد توجه قرار گرفت. هیأت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران در طول مدت اقامت خود در قاهره همچنین با رهبری تعدادی از احزاب برادر از جمله سودان و مراکش که در قاهره دفتر نمایندگی دارند ملاقات و گفتگو کرد. در این ملاقات ها ضمن ارائه آخرین تحلیل های حزب توده ایران در ارتباط با اصلی ترین تحولات کشور، همچنین دو مصاحبه با روزنامه های ارگان احزاب برادر انجام شد. در ملاقات دیگری که میان هیأت نمایندگی سازمان جوانان توده و نمایندگان کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق انجام گرفت تحولات منطقه در ارتباط با بحران اخیر روابط عراق- آمریکا، مقاصد رژیم صدام و بهره برداری امپریالیسم آمریکا از این وضعیت مورد بررسی قرار گرفت.

در بخشی از اجلاس شورای عمومی، نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان در سخنرانی کوتاهی تاریخچه مبارزات حزب کمونیست سودان و شرحی از وضعیت کنونی این کشور را ارائه کرد. همچنین در این بخش رفیق خالد محی الدین، دبیر کل سازمان «اتحادیه مترقی مصر» (Progressive Union of Egypt) سخنانی در ارتباط با اوضاع کشور و مواضع سیاسی سازمان متبوع خود ایراد کرد. رفیق محی الدین گفت: «ما مخالف سرمایه داری و اقتصاد بازار هستیم... ما مخالف فروش کارخانه ها و شرکت های دولتی مصر به سرمایه داران هستیم و معتقدیم این سیاست دولت مصر فقر و استثمار در جامعه را افزایش می دهد». رفیق محی الدین در بخش دیگری از سخنان خود از فروپاشی اتحاد شوروی اظهار تاسف کرده و گفت: «تلاشی اتحاد شوروی لطمه بزرگ و جبران ناپذیری به مبارزه مردم جهان سوم، مخصوصا مصر، علیه امپریالیسم آمریکا و غرب وارد آورده است... مردم جهان و مصر خواستار برابری و عدالت اجتماعی هستند. ما قدری و امر و نهی کردن های ایالات متحده را در جهان و مخصوصا در خاورمیانه و در ارتباط با عراق محکوم می کنیم». او گفت: «رفقا، مبارزه برای دستیابی به برابری و عدالت اجتماعی پایان نگرفته است. اتفاقا اخیرا ما شاهد تشدید مبارزه علیه امپریالیسم در جهان سوم و حتی در خود ایالات متحده هستیم. مبارزه ادامه دارد».

در جریان اجلاس، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و نمایندگان سازمان های شرکت کننده همبستگی خود را با مبارزات جوانان ایران در راستای تحقق حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی، با صدور بیانیه ای اعلام داشتند.

## بیانیه همبستگی با مبارزات جوانان ایران در راستای تحقق حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی

- ما نمایندگان سازمان های جوانان از سراسر گیتی که در اسفند ماه در قاهره- مصر جلسه داشتیم، اوج گیری جدید جنبش اعتراضی در دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی در ایران را مورد توجه قرار دادیم. از مهرماه ۱۳۷۶ تا کنون ما گزارش های متعددی مبنی بر تظاهرات دانشجویان دانشگاه ها در تهران و شهرهای دیگر دریافت کرده ایم. دانشجویان ایرانی خواستار امکانات بهتر آموزشی، بهبود شرایط زندگی و استقرار حقوق بشر و دموکراسی در کشور هستند.
  - ما با نگرانی ناظر این هستیم که گروه عظیمی از جوانان ایرانی با بیکاری مواجه هستند... به گمان ما سیاست های رژیم تئوکراتیک ثمری جز سرکوب سیاسی دگراندیشان، ایجاد مشکلات اقتصادی و سلب امکانات برای رشد سالم نسل جوان ایران نداشته است.
  - ما از پیروزی تاریخی انتخابات ۲ خرداد ماه و شکست نامزد رژیم اسلامی استقبال می کنیم. ما توجه داریم که بیشتر جوانان علیه نامزد مورد حمایت رژیم رای دادند. ما اطلاع داریم که اکثریت قابل توجهی از ۱۷ میلیون جمعیت میان ۱۵ تا ۳۰ ساله کشور به نماینده رقیب یعنی خاتمی رای دادند. ما همچنین توجه داریم که بسیاری از آن هایی که به خاتمی رای دادند، اعلام کرده اند که رای آن ها برای حرکت به سمت استقرار آزادی و تغییرات اجتماعی بوده است و مادامی که رژیم تئوکراتیک کنونی در قدرت باقی است هیچگونه امکانی برای اصلاحات واقعی وجود ندارد.
  - ما خواستار این هستیم که رژیم جمهوری اسلامی ایران به تعهدات خود در قبال تمامی مفاد منشور جهانی حقوق بشر عمل کند.
  - ما خواستار پایان دادن به دستگیری، شکنجه و اعدام اشخاص به خاطر عقاید و اندیشه های سیاسی آنان هستیم.
  - ما از خواست جوانان ایرانی برای جدایی دین از حکومت حمایت می کنیم. ما خواستار احترام به حقوق زنان و حقوق اقلیت های ملی و مذهبی هستیم.
  - ما حمایت و همبستگی خود را با جوانان ایرانی و بخصوص «جوانان توده ایران» در کارزارشان برای تحقق حقوق بشر، احترام و برابری و برای جامعه ای عادلانه که در آن بتوانند فرصت شرکت فعال در تعیین سرنوشتشان را داشته باشند، اعلام می کنیم.
- فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، اتحادیه جوانان سوسیالیست ژاپن، فدراسیون ملی جوانان دموکرات نپال، سازمان جوانان آزاد آلمان، اتحادیه جوانان کمونیست انگلیس، اتحادیه دموکراتیک جوانان ژاپن، اتحادیه عمومی جوانان جمهوری عراق، مجمع جوانان کمونیست اسرائیل، اتحادیه عمومی جوانان فلسطین، سازمان جوانان انقلابی ۸ اکتبر برزیل، جوانان سوسیالیست مراکش، اتحادیه جوانان مترقی مصر، اتحادیه دموکراتیک جوانان سوریه، اتحادیه جوانان کمونیست فدراسیون روسیه، اتحادیه جوانان سوسیالیست بلغارستان، سازمان جوانان حزب کمونیست دانمارک، سازمان متحد جوانان دموکراتیک قبرس، سازمان جوانان مترقی پرتغال، جنبش جوانان کمونیست فرانسه، جوانان «اتحادیه» مراکش، سازمان کارگران جوان سوسیالیست آلمان، سازمان جوانان کمونیست یونان، اتحادیه جوانان سوایو - نامیبیا، اتحادیه جوانان کمونیست کوبا، اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین - ویتنام

# پیام های همبستگی احزاب کارگری و کمونیستی به چهارمین کنگره حزب توده ایران

## ● حزب کارگر مجارستان

بوداپست - مجارستان

رفقای عزیز!  
به نمایندگی از سوی حزب کارگر مجارستان تبریکات صمیمانه خود را به اعضای حزب توده ایران تقدیم می کنیم و موفقیت شما را آرزو مندیم.  
حزب کارگر مجارستان احترام عمیقی برای مبارزه شما در راه آزادی، عدالت اجتماعی و دموکراتیزه کردن ایران قایل است. ما همبستگی خود را با مبارزه شما اعلام می کنیم و برای شما پیروزی آرزو مندیم.  
به نظر ما حزب توده ایران یکی از اجزای مهم جنبش مترقی و چپ جهان به حساب می آید و حزب کارگر مجارستان آمادگی خود را برای رشد روابط میان دو حزب و گسترش روابط و همکاری های بین المللی بین نیروهای چپ اعلام می کند. با آرزوی پیروزی شما.  
**کمیته مرکزی حزب کارگر مجارستان**

## ● حزب کمونیست آمریکا

نیویورک - آمریکا

کمیته ملی حزب کمونیست آمریکا تبریکات رفیقانه خود را به مناسبت برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران به شما تقدیم می کند. کنگره شما زمانی برگزار می شود که نظام سرمایه داری جهانی عمیقاً فرو رفته است و به همراه رقابت های امپریالیستی در حال تشدید، جنبش های مردمی در سراسر جهان در امتداد مبارزه طبقاتی ادامه می یابند. رویای تک ابر قدرتی امپریالیسم آمریکا در تمامی عرصه ها در سراسر جهان و از جمله توسط طبقه کارگر آمریکا مورد مخالفت و اعتراض واقع شده است.  
مبارزه مردم ایران از اجزای بسیار مهم مقاومت علیه آمریکا و امپریالیسم جهانی و همچنین علیه استبداد در کشور شما به شمار می آید. کوشش و فعالیت حزب توده ایران در جهت اتحاد نیروهای دموکراتیک در کشور شما و در راستای شکست سلطه ارتجاع، یافتن شکاف های درون رژیم و استفاده از هر موقعیت در مبارزه برای دموکراسی، عدالت و رفاه طبقه کارگر بسیار مهم و تعیین کننده است. رشد فعالیت ها و روابط در جهت اتحاد کمونیستی در سطح جهانی همزمان با تشدید بحران فزاینده نظام سرمایه داری جهانی بوده است و این روابط باید مستحکم تر شوند.  
رفقای عزیز، موفقیت شما را در راه اجرای وظایف کنگره تان آرزو مندیم و مشتاق دریافت نتایج آن هستیم. ما خواهان ادامه هرچه بیشتر روابط میان دو حزبمان هستیم.  
**با درودهای رفیقانه**  
**کمیته ملی حزب کمونیست آمریکا**

## ● حزب کمونیست سوئد

استکهلم - سوئد

رفقا، کمونیست های سوئد گرم ترین دروهای خود را به کنگره شما می فرستند. ما با علاقه کار دشوار شما را در شرایط سخت و بغرنج و تأثیر مبارزات سیاسی شما را در کشورتان دنبال می کنیم.  
امروز تجزیه و تحلیل کردن عواملی که به فروپاشی سوسیالیسم منجر شد، درس گرفتن از تمامی دست آوردهای مثبتی که هدف ساختن سوسیالیسم را برای تمام مردم جهان پر معنی می کند و همچنین بررسی آن عوامل عینی و ذهنی که به فروپاشی منجر شد وظایف همه احزابی است که اهداف سوسیالیستی دارند. حزب ما در مورد مبارزه ای که پشت سر گذاشته است و اهدافی که برای آینده دارد بحث هایی داشته است که هنوز هم ادامه دارد. ما اعتقاد راسخ به اصول کمونیستی داریم و سوسیالیسم را به عنوان تنها آلترناتیو واقعی سرمایه داری می دانیم. ما شاهد آن هستیم که سرمایه داری هر روز جهان را به سمت بحران های عمیق تر سوق می دهد و به همین دلیل بساط آن برچیده شود. این محتوی سیاست ما در همکاری و همبستگی با رفقای حزبی شماست که در سوئد ساکن هستند. ما مطمئن هستیم که کنگره شما کمک شایانی به کل جنبش و کار مشترکمان برای صلح، ترقی و سوسیالیسم خواهد کرد.  
زنده باد همبستگی و انترناسیونالیسم پروولتری  
زنده باد حزب توده ایران

**با درودهای کمونیستی صدر حزب رلف هائل**

## ● حزب آزادی و همبستگی

### ترکیه

آنکارا - ترکیه

رفقای عزیز،  
امیدواریم که کنگره چهارم حزب شما که مرحله مهمی در مبارزه حزب شما به حساب می آید بتواند با موفقیت به وظایف خود در راه تنظیم برنامه و اساسنامه نوین حزب نایل آید و راهگشای مرحله جدیدی از مبارزه برای دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران باشد.  
اطمینان داشته باشید که همبستگی انترناسیونالیستی ما با شما و مردم ایران همچنان ادامه خواهد یافت.  
با گرم ترین تبریکات رفیقانه  
**کمیته اجرایی حزب آزادی و همبستگی ترکیه**

## دو کلمه حرف حساب

**س:** تنها کشوری که در خاورمیانه سلاح اتمی دارد کدام است؟

**ج:** اسرائیل

**س:** کدام کشور خاورمیانه زمین های کشور های مجاور خود را با استفاده از نیروی نظامی اشغال کرده است و علی رغم قطعنامه های متعدد سازمان ملل متحد و شورای امنیت همچنان به این کار ادامه می دهد؟

**ج:** اسرائیل

**س:** کدام کشور خاورمیانه مرتباً به حرم هوایی، زمینی و دریایی کشورهای مجاور خود تجاوز می کند؟

**ج:** اسرائیل

**س:** کدام کشور متحد آمریکا است که به قصد ترور مخالفان سیاسی تروریست های خود را به کشورهای دیگر اعزام می کند؟

**ج:** اسرائیل

**س:** در کدام کشور خاورمیانه است که افسران عالی رتبه ارتش آشکارا به اعدام اسیران جنگی اعتراف کرده اند و تحت هیچ بیگرد قانونی قرار نگرفته اند؟

**ج:** اسرائیل

**س:** در کدام کشور خاورمیانه فردی که فرمان ترور مأمور عالی رتبه سازمان ملل متحد را داده بود به نخست وزیری رسید؟

**ج:** اسرائیل

**س:** کدام کشور در خاورمیانه در ۶۹ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد اعتراض قرار گرفته است و ۲۹ قطعنامه دیگر علیه آن از سوی آمریکا وتو شده است؟

**ج:** اسرائیل

**س:** کدام کشور خاورمیانه به دلیل عدم اجرای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل به مباران هوایی تهدید شده است؟

**ج:** عراق !!!

**بر گرفته از نوشته چهارلی ریز، از روزنامه داور لاندو سنیتل،**

### کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق شهید سرگرد  
بینایی ماسوله ۱۱۵ مارک  
مقربنی از آمریکا ۴۰ دلار

**آدرس ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

31 March 1998

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:528**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

### حساب بانکی ما:

نام IRAN e. V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse

### شماره فاکس و

### تلفن پیام گیر ما

۲۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -